



پردیس علامه امینی (ره) تبریز

کارنمای معلمی

رشته علوم تربیتی دوره کارشناسی پیوسته

عنوان

معلمی، عاشقی

استاد راهنما

دکتر جمشید امیدی

دانشجو معلم

فرشاد روزه

تاریخ

۹۵ / ۰۴ / ۲۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



فرم تاییدیه استاد راهنما و تعهد دانشجومعلم

این گزارش حاصل تلاش و تجارب کسب شده آقای **فرشاد روزه** در طول دوره کارشناسی رشته **علوم تربیتی** بوده و مورد تأیید اینجانب می باشد و نمره (نمره به حروف) را اخذ نموده است.

نام و نام خانوادگی استاد راهنما

تاریخ و امضاء

اینجانب **فرشاد روزه** دانشجومعلم دوره کارشناسی پیوسته رشته **علوم تربیتی** گرایش **آموزش و پرورش** پیش دبستانی و دبستانی ورودی سال **۹۱**

به شماره دانشجویی **۹۱۵۱۸۰۰۲۰۰۱** بدینوسیله متعهد می شوم:

- ۱- کارنمای معلمی تهیه شده حاصل تلاش، تجارب و ایده های اینجانب در طول تحصیل دوره کارشناسی دانشگاه فرهنگیان بوده و شخصا به رشته تحریر درآورده ام.
- ۲- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را می پذیرم و پردیس / واحدهای تابعه واحد دانشگاه فرهنگیان مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی دانشجومعلم

تاریخ و امضاء

بنامت

تقدیم به مخاطب تازه آشنا...

به قول معلمی عاشق، عشق برتر از زندگیست و محبت برتر از عشق

ما آمده ایم تا با هم عاشقی کنیم و با ناب ترین اشخاص، آن ها که با تک واژه شان می توان دفتری را از عطر انسانیت پر نمود، با آن ها مسئولیم تا با محبت رفتار کنیم.

حال هر کدام را که توانستیم، چه عاشقی و خواه محبت، حداقل توانسته ایم بهتر زندگی کنیم.

خواهم نوشت از مرغی

مرغ اسیر دانه ها

شاید که او دل برکند

از دانه ها بر شانه ها

پیشگفتار

زنده یاد استاد محمد تقی جعفری فرموده اند :

عطار آنجا عطار بودن خود را نشان داد که مولوی را در شش سالگی شناخت. شما معلمان در کلاسی که ایستاده اید، روبروی شما شمس نشسته است؛ ابن سینا، مولوی، دانشمندی بزرگ یا یک جلاد بی رحم. اگر احتیاط کنیم و نگوییم که یک کلمه ی معلم است که زمینه های دانشمند شدن یا جلاد شدن را فراهم می کند، لااقل می توان گفت: معلم است که زمینه های دانشمند شدن یا جلاد شدن را فراهم می کند.

اهمیت و نقش معلم امروزه بر کسی پوشیده نیست. اگر بخواهیم تنها برای همین موضوع هزاران مطالب متفاوت چه در دین مبین اسلام و چه از دانشمندان بزرگ جهان می توان آورد که بیانگر این نقش و اهمیت زیاد معلم و معلمی هست. این سخن استاد جعفری می تواند نمونه خوبی برای نشان دادن این امر پراهمیت باشد. ما معلمان باید از این نقش، اهمیت و تاثیر خود در دانش آموزان و به تبع آن در جامعه آگاهی یافته و در این راستا کوشش کنیم، این آگاهی و دانش بیشتر در این زمینه مسئولیت بیشتری بر عهده معلم می آورد. معلم باید توانایی انجام این مسئولیت گران را داشته باشد. تمامی معلمان و من و دانشجو معلمانی که در این راه قدم گذاشتیم باید تمام سعی و کوشش خود را داشته باشیم تا بتوانیم در همه زمینه های اطلاعات کافی را داشته و از نظر اخلاقی و اجتماعی به درجات بالایی برسیم تا در انجام این نقش گران معلمی بتوانیم موفق باشیم. بیشتر معلمان از امکانات و مدیریت و خیلی عوامل دیگر ناراضی بوده و کمبود و نقص آن ها را در کارایی خود دخیل می دانند اما به نظر من با وجود تمامی این ها و چون هیچ کدام در اختیار ما نیست و قابل تغییر به آسانی نمی باشد از وزارت و مدیریت کلان تا اقتصاد و غیره پس رسالت ما این است که این تغییر را از خود آغاز کنیم، تمام تلاش خود را در بهبود معلمی و تمامی موضوعات مربوط داشته باشیم. در این کارنمای معلمی به صورت مفصل به هر کدام از این گفته ها در بخش های مختلف پرداخته ام و امیدوار روزی که بهترین ها اتفاق بیافتد و شاهد سربلندی روز افزون کشور عزیزمان با معلمان و دانش آموزان فرهیخته باشیم.

فرشاد روزه

تابستان ۹۵

چکیده

من در این کارنمای معلمی که به عنوان پروژه و سفر معلمی هر فرد و دانشجو معلمان قرار گرفته است بر این بوده ام که بتوانم شرح تجارب تحصیلی قبل از ورود به دانشگاه که تصویرها و جلوه هایی از معلمی در من ایجاد کرده بودند و تاثیرات هر یک از معلمان در من و دیگر دانش آموزان و درک این اهمیت تاثیر معلمی در دانش آموزان را بیان کنم. بعد از آن به تجارب تحصیلی در دوره آموزش تربیت معلم در دانشگاه فرهنگیان که در پردیس علامه امینی (ره) تبریز در حال گذراندن اواخر دوران تحصیلی در دوره کارشناسی هستم، پرداخته و آنچه در این دوره بر من گذشت، انتظاراتی که داشتم، با آنچه که مواجه شدم، تجارب و درس های شیرین و تلخ، رویداد هایی که اتفاق افتادن، آنچه که ارائه شد و هر آنچه که مورد قبول واقع شد، هدف ها و تصمیماتی که بنیان گذاری شد و کارها و فعالیت های انجام گرفته را آورده ام. در انتها از معلمی کردن خود در آینده سخن به میان آورده و به چگونگی معلمی کردن خود، باور های یادگیری و تدریس و آموزش، اصول و قواعد و نظریاتی که مد نظر هستند، آرمان های معلمی و اهداف و جایگاهی که میخواهم به همراه تمامی چالش ها و سختی های معلمی در موقعیت های واقعی و چگونگی برطرف کردن، حل و مواجهه با این موارد در موقعیت عمل، پرداخته ام.

کلید واژه ها: معلم، دانش آموز، تربیت، آموزش و پرورش، دانشگاه

فهرست

۳	فرم تاییدیه استاد راهنما و تعهد دانشجو معلم
۴	تقدیم نامه
۵	پیشگفتار
۶	چکیده
۶	کلید واژه ها
۸	مقدمه
۹	شرح تجارب تحصیلی قبل از ورود به دانشگاه
۱۳	شرح تجارب تحصیلی در دوره آموزشی تربیت معلم
۱۳	انتظارات اولیه
۱۴	تجارب زیسته
۱۵	کارورزی ها
۱۶	تحلیل از رخداد های واقع شده در فرآیند تحصیل
۱۷	تصمیمات اتخاذ شده و اعمال به انجام رسیده
۱۹	دانش ارائه شده و دانش مورد قبول
۱۹	تشریح معلمی کردن خود در آینده
۱۹	چگونگی معلمی کردن
۲۰	باور های یادگیری و آموزش
۲۰	اصول معلمی کردن
۲۱	آرمان های معلمی
۲۲	چالش های عمل معلمی در موقعیت های واقعی
۲۳	چگونگی مواجهه با چالش های معلمی در موقعیت عمل
۲۴	تعهدات حرفه ای دانشجو معلم
۲۶	پیوست ها

بشر تنها با تعلیم و تربیت آدم تواند شد و آدمی، چیزی جز آنچه تربیت از او می سازد نیست. "امانوئل کانت" (شکوهی، ۱۳۸۵) این گفته و سخن های از این قبیل بسیارند و در اهمیت معلمی و نقش وی در تعلیم و تربیت دانش آموزان که جامعه نیز تحت تاثیر بسزایی می باشد، نشان می دهند. من و دانشجو معلمان که در این حیطه وارد شدیم باید با آگاهی از این اهمیت بالا در راستای معلمی خبره و آگاه شدن و با مسئولیت فروانی که بر دوش داریم، تلاش کنیم و این کوشش پایدار و همیشگی باشد. در این کارنمای معلمی نیز دانشجو معلم و من به عنوان یکی از این دانشجویان که در آینده ای بسیار نزدیک سنگینی این مسئولیت بزرگ را روی شانه هایمان احساس خواهیم کرد به تجزیه و تحلیل و روایت تحصیل، ورود به دانشگاه و تحصیل در دوره تربیت معلم، تجربه های تدریس، معلمی و کارورزی هایی که طی دو سال گذرانده ام، می پردازم. با این توصیف فهم دقیق تری از گذشته و عملکرد، خواسته ها و داشته هایم بدست می آورم، این به روایت و تصویر کشیدن به من کمک می کند تصمیمات بهتری گرفته و در بهبود نقاط ضعف و تقویت نقاط مثبت بهتر عمل کنم. از چرایی معلم شدن گرفته تا تجربه هایی که در این زمینه داشتم. خواسته هایم از معلمان چه بوده و حال چگونه معلمی می خواهم باشم. انتظارات و تفکراتم در رابطه با دانشگاه، تحصیل و معلمی چیست و با چه واقعیت هایی روبرو شدم. تغییراتی که در دانش و دیدگاهم ایجاد شد و چه تصمیماتی گرفته ام، با دیدن و لمس کردن این تجربیات چه ها آموختم و چه اهدافی داشته و چه فعالیت هایی انجام داده ام و در پی آن آرمان ها و اهدافی که در طلب آن ها هستم را به گونه ای بیان خواهم کرد. شاید نتوان تمامی این ها را در یک چنین پروژه ای بیان کرد اما می تواند بسیار یاری گر و کمک حال باشد، با اینکه تمام تلاش و سعی خود را می کنم در ارائه هر آنچه که گفته شد و از این کارنمای معلمی انتظار می رود.

شرح تجارب تحصیلی قبل از ورود به دانشگاه

به این بخش به طور مختصر می پردازم و برای هر کدام از چهار دوره ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان و پیش دانشگاهی مطالب کوتاهی ارائه می دهم تا برسیم به دوره ورود به دانشگاه و تحصیل در دانشگاه فرهنگیان که به تفصیل بیان خواهم کرد.

دوره ی ابتدایی را من در مدرسه صادقیه گذراندم. تنها به سه خاطره و یادواره در این دوره بسنده می کنم؛ یکی خاطره روزهای اول رفتن به مدرسه و دو نفر از معلمان این دوره را توصیف می کنم. از خاطرات دوران اولیه ورود به مدرسه چیزی که بیشتر گفته شده و نمود زیادی داشته این بود که من از همان روز اول خواستم که خودم به تنهایی برم مدرسه و برگردم و با کمال علاقه و میل به مدرسه می رفتم و تنها روز اول آن هم فقط برای رفتن به مدرسه به همراه مادرم رفتیم و حتی همان روز با انتخاب خودم، برگشتن هم خودم به خانه برگشتم و از فردایش خودم به تنهایی میرفتم مدرسه و بر می گشتم و خیلی خوشحال بودم، این مسئله از این نظر برای خودم نیز جالب و شاید بااهمیت باشد این هست که بسیاری از دانش آموزان هم دوره ای مدت ها به سختی و به زور به مدرسه می آمدن، خیلی از بچه ها در روز های اول با گریه و زاری می گذراندن و خواستار رفتن به خانه بودن و یا همیشه مادر یا اعضای از خانواده اشان همراهشان بود و کاملاً به یاد دارم همیشه موقع ورود و خروج خیل عظیمی از اولیا در مدرسه حضور داشتند و کنار بچه هایشان بودند این مسئله شاید از طرفی خوب و مفید باشد و بودنش بهتر باشد اما من بیشتر از این لذت می بردم که می توانم کارهایم را خوردم انجام دهم و این برای من یک موفقیت به حساب می آمد شاید الان می فهمم چون آن زمان با این واژه آشنا نبودم که آن خوشحالیم از این بوده که اعتماد بنفس بالایی پیدا می کردم و ناراحت نبودم از این که دنبال من نمی آیند و یا تنها به مدرسه می روم، چون خواسته خودم بود و خرسندیم از آن تامین می شد. البته باید گفت بعد ها با اینکه باز با افتخار به این مسئله می نگریم اما دل تنگ می شدم، شاید انگار ته دلم می خواستم منم با یکی از اعضای خانواده به مدرسه بروم. این را نیز باید بگویم که متعجب بودم و خوشم نمی آمد از این که اینهمه اولیا در مدرسه حضور پیدا کنند. الان درک این مسئله برایم خیلی آسان شده و با دیدن این صحنه ها که در این دوران نیز زیاد دیده می شود دیگر آن تعجب و نخواستن را ندارم و حتی چند بار شد که بعد ها در دوره های تحصیل دلم بخواهد که اولیای من نیز با من بیایند. البته باید گفت خانواده من نیز همه جوره در کنار من بوده اند و از هیچ تلاشی مضایقه نکردند اما در بخش های بعدی بیشتر در این مورد خواهم گفت که آگاهی خانواده و اولیا از این قبیل مسائل بسیار مهم و ضروری است.

از معلمان این دوره حساس فقط دو نفر از معلمانم را بیشتر از همه به یاد دارم و تمام اعمال و کارها و کلاس آن ها در ذهنم پایدارتر می باشند و تصاویری از این زمان همیشه در جلو چشمم هستند برخی مثل خواب برخی با وضوح بیشتر. بهترین و خوش اخلاقترین معلمی که از هر نظر مهربان و خوش رفتار بود معلم اول ابتدایی ام بودن؛ ایشان به طرز شگفت انگیزی از حوصله زیادی برخوردار بوده و رفتاری ملایم با دانش آموزان داشتند. در مقابل معلم

سوم ابتدایی فرد بسیار خشن و سرسختی بود، یک کاپشن مشکی چرمی بلند می پوشید با رد و جای سوختگی در گردن و کمی از صورتش، کاملاً شخصی ترسناک و بداخلاق بود. همیشه وسیله ای برای تنبیه در دست داشت. از تنبیه زیاد استفاده می کرد با صدای خشن و کلفتی هم که داشت دانش آموزان را می ترساند حتی سیگار نیز می کشید. واقعا ناراحت کننده و سخت بود. با اینکه من هیچگونه تنبیه نشدم و به خوبی گذراندم اما دلهره و ترس ناشی از رفتار و اعمال ایشان بسیار زیاد بود و حالا نیز کاملاً معلوم است که همه ی این موارد گفته شده اشتباه بوده و نباید انجام می پذیرفت.

از دوستان و دانش آموزان این دوره می توان تنها به یک نفر اشاره کرد که از همان دوره ابتدایی با هم آشنا شدیم و بخاطر هم دوره بودن و محله های نزدیک به هم در طی تمام سالیان کم و بیش ارتباط داریم که در این بین خیلی اتفاق هایی افتاده سال ها در مدرسه ای دیگر درس خوانده و یا سال ها همدیگر رو ندیدیم و حرف نزدیم اما کم و بیش همیشه بوده و هست. من در انتخاب دوست خیلی حساس بودم و هستم با دیدن خطایی از کسی دیگر به سراغش نمی رفتم و با اینکه فرصت می دادم اما ازشون دوری میکردم وقتی خطایی میدیدم. روابط در همون همکلاس بودن بهتر بود، برای دوست شدن شرایط زیادی می خواهد.

بعد از آن دوره راهنمایی را در مدرسه امام جواد (ع) سپری کردم. دوره ابتدایی و راهنمایی را با حداکثر نمرات می گذراندم و همیشه از شاگردان برتر بودم. اما با بزرگ شدن و با درک و فهم بیشتر نسبت به تمام موضوعات و جامعه و... روز بروز مشکلات و سختی ها زیاد می شد. بخاطر اینکه سخن کوتاه کنم تنها به مهمترین اتفاق این دوره می پردازم. سوم راهنمایی و سال پایانی این دوره بود، (این را باید بگم که من از چاپلوسی و تملق شدیداً بدم می آمد و می آید و به هیچ وجه نمی توانم چنین کارهایی بکنم.) ترم اول تمامی درس هایم بیست شده بودم تنها درس عربی فقط نیم نمره کم گرفته بودم یعنی ۱۹/۵ و فقط این نمره در کارنامه ام بیست نبود که با این معدل هم میشد ۱۹/۹۸ با این همه من چیزی نمیگفتم و راضی بودم با این که خیلی ناراحت شده بودم. بسیاری از بچه ها ازم خواستند که حرف بزنم و بخوام که اون نمره هم بیست بشه اما من چیزی نگفتم و کسی هم کاری انجام نداد. آن معلم عربی مشکلات زیادی داشت، درسته آن زمان هم میدیدم و میگفتم، اما الان نیز با این درس هایی که خواندیم کاملاً مشخص شده که ایشان هم مشکلات فراوانی داشتند. نه بخاطر نیم نمره من بلکه خیلی عوامل دیگر، این معلم هم از نظر بدنی مشکل داشت هم صدای ناهنجار و اخلاق زشتی داشتند، تاثیر زیادی در هر یک از دانش آموزان داشت به نحوی، معلمی پیر و موجی داشتیم که آن هم با کمال احترامی که به همه معلمان قائلم باعث ناراحتی و تاثیرات بد در دانش آموزان میشد، در کنار این ها معلمان خوب و عالی هم بودند که کمک حالمان شدند. معلم جوانی برای درس علوم بودند که خیلی تلاش فراوان می کردند، کوشش مضاعفی داشتند و باعث خرسندی بود و غیره و غیره. اما جریان مهم مد نظرم در اینجا این بود که اولین شکست بزرگم را تجربه کردم، در این سال یک المپیاد ریاضی برگزار شد که من نیز شرکت کرده بودم با این که من زیاد به برنامه های فوق برنامه و کلاس اضافی و امتحان و... اعتقادی نداشته و کاملاً عادی و متوسط پیش می رفتم، خانواده نیز در این زمینه زیاد مسر نبودند. با این همه کاملاً بدون

توجه زیاد در این امتحان شرکت کردم و به طور شگفت انگیزی قبول شدم قسمت جالب این موضوع این جا بود که گفتند برای کسانی که در این مرحله قبول شدند یک دوره آموزشی برگزار می کنند که شامل زبان و ریاضی می بود و بعد در امتحانی در کشور روسیه شرکت کرده و قبول شدگان آن امتحان می توانند دبیرستان را در کشور کانادا ادامه تحصیل بدهند؛ اما برای شرکت در آن دوره آموزشی و هزینه های جانبی مبلغی می خواستند که نسبت به هدف و نتیجه خیلی خوب بود اما برای هزینه کردن من شاید پول زیادی بود تقریباً چیزی که یادم میاد ده میلیون ریال هزینه شرکت در کلاس و دوره آموزشی برای شرکت در امتحان مذکور بود. برای من دوران سختی بود، از طرفی میدیدم خانواده من اون ذهنیت خرج کردن این مبلغ رو ندارند و از طرفی بسیار دلم می خواست که برم و حتی در خودم توانایی قبولی در آن امتحان و رفتن به کانادا را می دیدم. اما این امر میسر نشد و هزینه ای پرداخت نکردیم و من نتوانستم شرکت کنم، با معلم های ریاضی و کسایی که رابطه خوبی داشتم خیلی حرف زدم در این زمینه که این موضوع و جریان به چه شکلی صورت می گیره و چگونه هست، در خودم بیشتر می خواستم چیزی بشنوم که ناامیدم کنه از قبول شدن و رفتن اما همه چی خوب بود حتی شرکت در آن دوره مفید بود اگر هم قبول نمی شدم اما بخاطر مشکلات مالی نتوانستم برم و این برایم تلخی بسیاری داشت، برایم شکست و افت به همراه داشت. همیشه در یادم بود اما حتی بسیاری از افراد نزدیکم هم از این اتفاق با خبر نشدند. با اینکه کم و بیش می دانستند. بعد ها حتی عمویم میگفت تو باید از من این هزینه رو می خواستی و پرداخت می کردیم. ولی به هر حال گذشت...

در دوره دبیرستان مشکلات عدیده ای پیش آمد. احساس و لمس تمامی مشکلات، پستی و بلندی روزگار بیشتر و بیشتر شد، از این جهت بسیار در من تاثیر می کرد که من شخصا از کوچکترین رنج ها بسختی آزاده می شدم اما نمود بیرونی نداشت. من به قدری احساسی و حساس به تمامی قضایا بودم که حتی برای کوچکترین حرفی ماه ها تلاش می کردم تا آن را حل کنم و پشت سر بگذارم تا ادامه زندگی روال بهتری به خود بگیرد هر بار با هر مشکلی که پیش می آمد همه جوهر بهم می خوردم و حتی از لحاظ فیزیکی کم می آوردم، روزها و هفته ها خوردوخوراکم بهم می ریخت و عقب ماندگی های تحصیلی و ... به بار می آورد اما اجتناب ناپذیر بود. برخی از این مشکلات قابل بیان در این قالب نیستند و نمی توان گفت. به برخی از موارد به طور خیلی مختصر اشاره می کنم، همانطور که گفته ام هم مشکلات من تنها به خودم مربوط نمی شد از وضعیت جامعه از رفتار دیگران و همسالان همه و همه به خیلی زیاد ناراحت می شدم در درس های دانشگاهی و روانشناسی که در دانشگاه مطالعه کردم به این موضوع بیشتر پی بردم، من شخصیتی دارم که دنبال دلیل برای هر حرف و کاری می گردم، نسبت به رفتار هر کسی بسیار حساسیت نشان می دهم این ها هورمون هایی را نیز در درون آدم ترشح می کند که این حساسیت و دنبال دلیل هر چیز و حرفی بودن را شدت می بخشد در مقابل اینکه آرامبخشم باشد، می توان گفت تفکر بزرگتری داشتم، کلان و کلی می نگریستم، در پی حل تمام مشکلات دنیا و کشورم بودم. شاید گفتن این ها خوب نباشد یا اصلاً درست نیست؛ اما این گونه بودم درونا من را عذاب می داد چون تناقض های زیادی می دیدم رفتار های ناشایست دیگران و مردم، کمتر کسی پیدا می شد که بتواند کمی این درک و احساس را داشته باشد. از طرفی مشکلات درون

خانواده از قبیل تنها شدنم در خانه با پدر و مادر نسبتاً مسن که تمامی بار خانه به دوش من افتاده بود. تمامی کارهای خانه و خانواده را باید من انجام می دادم. در کنار این موارد مریضی مادرم که نارسایی کلیه پیدا کرد که ناشی از فشار خون بالایش بود، اون حساسیتی که از خودم گفتم ببینید حالا که نصف شب ها با حال ناخوش مادرم مواجه می شدم و تنها من بودم که باید آن ها می رساندم به بیمارستان و اورژانس ها، (من قبل از اینکه سنم به گرفتن گواهینامه رانندگی برسه هم رانندگی می کردم، با اینکه بعد رسیدن سنم درست روز بعد از تولدم اقدام کرده و گواهینامه ام را نیز گرفتم.) من با آن که روحا و احساسا خیلی در عذاب و ناراحتی بودم اما باید هم به کارهای خانه و مدرسه و... می رسیدم. برایم سختی زیادی دشت. همیشه در روز های حساس و مهم، در امتحانات مدرسه، بیشتر شب ها در بیمارستان می گذراندم با اینکه من از اسم بیمارستان و مریضی هم بسختی رنجیده می شدم، مریضی مادر باعث ناراحتی و مشکلات زیاد دیگری نیز می شد. از لحاظ روحی و روانی با اینکه علاقه و استعداد و هوش کافی برای بهترین شدن در درس را می دیدم و هم اینکه تمامی تست ها و معلمان و مدرسه نیز می دیدند اما نمی توانستم آنچنان که باید به درس و مدرسه برسم. مریضی مادر باعث ناراحتی و مشکلات زیاد دیگری نیز می شد.

دوره دبیرستان را در دبیرستان قاضی طباطبایی (ره) ثبت نام کرده بودم. در اول دبیرستان اوضاع نییتا بهتری بود، حتی در این دوره یک معلم ریاضیات داشتیم که از بهترین اشخاص بود، من همیشه این رفتار و اخلاق رو مثال می زنم و نمونه خوبی برای معلمی کردن بود. ایشان یک همکلاسی شروری را که اصلاً با درس و مدرسه رابطه نداشت و فقط برای بهم زدن کلاس و ... تلاش می کرد، هدایت کرد، به اینگونه که خیلی با اخلاق و رفتار مناسبی برخورد کرد، همه معلمان با هر رفتاری که انجام می دادند و هر تنبیه و کتک و هر کاری نمیشد این همکلاسی را به درس مشق آورد و از شلوغی بیش از حد و بهم زدن کلاس دست بردارد، انگار با هر کتک خوشش می آمد و همان را می خواست، ثانیه ای هم تنبیه در او اثر نداشت. اما این معلم ریاضی با او به گونه متفاوتی برخورد کرد، به او احترام و عزت بخشید با هر بدی که او می کرد معلم بخوبی و با اخلاق برخورد می کرد این شیوه بعد از مدتی در او تاثیر زیادی کرد بطوری که انگار شرمنده رفتار و حرکاتش شد و حتی در آن درس که سختترین درس می باشد در بین درس های دیگر برای دانش آموزان او توانست نمره خوبی بدست بیاورد. این رفتار معلم همیشه در یادم می باشد.

از طرفی من با همه مشکلات بوجود آمده که کمی به آن ها پرداختم، بعد سپری کردن اول دبیرستان در رشته ریاضی و فیزیک ادامه تحصیل دادم. اما سختی فراوانی متحمل بودم این ناراحتی هایی که من می کشیدم بسیار زیاد بود و از طرفی کسی نبود که این ها را بفهمد و درکی از من داشته باشد. با اینکه وقتی برای درس خواندن نداشتم اما می توانستم نمرات متوسطی بگیرم، تا اینکه در سوم دبیرستان یک معلم زبان توانا که واقعا هم معلم خوبی بود و من همیشه تعریفش را کرده ام از لحاظ علم و زبان بسیار قوی بود، اما همین معلم با من رفتار مناسبی نداشت، بطوری که همیشه گفت تقصیر ایشان بود اما درک مناسبی از اوضاع و احوال نتوانست بدست بیاورد و در من باعث رنجش و تقریباً شکست دیگری شد، در یکی از همان روز های سختی که خودم را به مدرسه رسانده بودم اولین صفر عمر تحصیلی ام را گرفتم، بله، ایشان از من تکلیف و امتحان خواست که حق ایشان بود اما من آمادگی نداشتم و نمره

صفر گرفتم، این نمره تاثیر زیادی در من کرد، مدتی حالم خوب نبود. بعد ها همین موضوع شاید باعث شد من در آموزشگاه زبان شرکت کنم و الان از لحاظ زبان انگلیسی سطح مناسبی داشته باشم، اما در آن زمان تاثیرات منفی فراوانی داشت. این جریانات اهمیت و تاثیرات معلمان را در خود من نشان می دهند و مشاهداتی که طی این سال ها داشتم معلمان زیادی که دیدم هر کدام الان برایم تجربه و درسی بزرگ می باشد در راه معلم شدنم و خواستن اینکه معلمی باشم که بتوانم از همه لحاظ در دانش آموزان تاثیر مثبت داشته باشم، درک و فهمی از همه جوانب کودکان و دانش آموزان داشته و بتوانم الگوی مناسبی برای آن ها محیا کنم.

شرح تجارب تحصیلی در دوره آموزشی تربیت معلم

این بخش شامل انتظارات اولیه که چه خواسته ها و نگرشی نسبت به دانشگاه داشتم، تجارب زیسته تمام اعمال و مواردی که مشاهده کرده و در این دوره تجربه کردم، تجزیه و تحلیلی از رویداد های واقع شده در فرآیند تحصیل و شرح این رخداد ها، تصمیمات اتخاذ شده و اعمال و فعالیت های انجام گرفته؛ دانش ارائه شده (آنچه که شنیدم) و دانش مورد قبول (آنچه که پذیرفتم) است.

انتظارات اولیه

انتظارات و خواسته هایم همانگونه که از تفکر و احساسم نسبت به موفقیت کسب کردن و جامعه خوبی داشتن واضح هست که خیلی زیاد و در سطح عالی بود؛ اما واقعیت ها و مشکلات جامعه را نیز می دیدم و می دانستم کمبود های فراوانی موجود است. با این همه می خواستم بهترین ها را داشته باشیم.

از دانشگاه انتظار داشتم تمام کمبود ها و کاستی های دوران تحصیل مدرسه را جبران کند، چون مدرسه های ما از همان ابتدایی تا دبیرستان همیشه مشکلاتی داشت و همه معلمان و مسئولان بخوبی همه آن ها را می گفتند اما در رفع آن ها هیچ اقدامی صورت نمی پذیرفت یا اگر اقدامی می شد همه اش مستلزم پول و منابع مالی بود.

خواسته من بیشتر نزدیک مدینه فاضله بود؛ دانشگاه را با اساتید بزرگ و اندیشمند و امکانات کامل می دیدم و می خواستم. از امکانات فیزیکی و سخت افزاری گرفته تا همه موارد را بالاتر می دیدم و دلم می خواست خودم را به بالاترین سطح ها از نظر علمی و همه جوانب برسانم. این انتظار هم شاید خیلی آرمان گرایانه و زیاده خواهی باشد، و برای خیلی ها شاید مسخره و خنده دار بیاید، اما به نظر من باید خواست، بهترین ها را خواست و این خواستن هاست که می تواند به شدن تبدیل شود و محقق شود و به حقیقت بپیوندد. سخن کوتاه می کنم و به تک تک مواردی که می خواستم و چگونگی شدن آن ها نمی پردازم.

تجارب زیسته

بعد از قبولی در کنکور که رشته و دانشگاه ما اولین دوره بود و تازگی زیادی داشت، با ابهامات زیادی رویرو بودیم، مرحله به مرحله پیش می رفتیم اما همیشه سوال و ابهام داشتیم، هیچ کس اطلاع کاملی نداشت، با معلمان و مشاوران نیز صحبت می کردیم، همش گمانه زنی ها و تجربیات خود را می گفتند اما اطلاع درستی نداشتند.

در مسیر استخدامی قرار گرفته بودیم، ورودی بهمن ماه محسوب می شدیم؛ از همان نتایج کنکور در پی کارهای اداری و مسائل این چینی بودیم. از آزمایشات پزشکی گرفته تا مصاحبه عمومی و مصاحبه تخصصی، تحقیق از محل و مدرسه نیز بود.

ورودی بهمن ماه ۱۳۹۱ اولین ورودی دانشگاه فرهنگیان بود، حرف و حدیث ها پیرامون این دانشگاه و رسالت و سیستم آن زیاد بود. برعکس انتظارات همه چیز بدتر هم شد، امکاناتی در پی نبود بلکه استرس و ترس و موارد جانبی خیلی زیادی وجود داشت که همه دانشجویان و تمامی درس خواندن و مسیر تحصیل را بسیار تحت تاثیر قرار می داد.

اساتید را نمی توان همه را به یک چشم نگاه کرد و از طرفی دانشجویان نیز در رفتار و تدریس و ارائه آن ها بدون تاثیر نباید پنداشت. ولی با وجود بهترین و تاثیر گذارترین اساتید که تجربیات و علم زیادی داشتند و نگرش دانشجویان را به تحصیل علم و آگاهی داشتن و آگاهی رساندن تغییر دادند و مشوق علم و تحقیق بودند. باید همیشه قدر دان این اساتید گرانقدر باشیم و سپاسگزار زحمات فراوانشان. اما در این بین خیل بیشتری نیز وجود داشتند که نه علم کافی داشتند و نه از موارد دیگر لیاقت استادی را شایسته بودند. گاهی می شد منت های فروانی و طعنه های زیادی به دانشجویان می زدند. از وضعیت نابسامان کشور گله داشته و موقعیت ما را برایمان زیاد می پنداشتند ، با این که ما باید قدر دان و شکر گزار این نعمت باشیم ولی گاهی بیش از اندازه با ما بد رفتاری می شد و زده می کرد از همتن فرد و سیستمی که او در آن است.

امکانات فیزیکی دانشگاه از لحاظ وسعت می توانست مناسب باشد اما به طور شگفت آوری بی استفاده و بدون فایده برای دانشجویان بود. علاوه بر اینکه کمبود های زیادی داشتیم بلکه از موجودیت حاضر نیز بخوبی استفاده نمی شد و مدیریت و نگه داری و استفاده از آن ها بخوبی صورت نمی گرفت.

سه ترم طول کشید برای من تا بتوانم خودم را از بهت و نا امیدی حاصل از رفتار و کاستی ها شاید بتوان گفت من از دانشجویان نیز گله مند بودم ، چون از حق خود آگاهی نداشته و جوای آن نبودند و هر گونه رفتاری را میس پذیرفتند یا نمی دانم شاید هم ما خودمان باعث این کمبود ها و رفتار ها شده و بوده ایم. بعد از سه ترم بود که من بخودم آمدم و توانستم بهتر از پیش در درس و دانشگاه موفقیت بدست بیاورم. البته در این سه ترم نیز متوسط به بالا بودم اما می خواستم و توانستم بخوبی بر مشکلات فائق آیم و بیشتر از پیش موفق باشم. چارت رشته تحصیلی

دائماً تغییر می کرد، هر روز تغییرات و مشکلات دیگر، برنامه ریزی ها و مدیریت های اشتباه برای دانشجو حواسی برای درس و کسب علم نمیداشت، بیشتر دانشجویان را درگیر موارد جنبی می کرد.

در این دوره نیز همان مشکلات و بیشتر از آن گریبان گیر من بود، مریضی مادرم که بهبودی در آن نبود و به شکل دائمی درآمد بود برایمان، نارسایی کلیه هایش را باید دیالیز می شد و پیوند کلیه هم بخاطر سن و خواسته و موارد دیگر نمی شد انجام داد؛ این مشکل با سنگینی و ناراحتی ها و ... که بر دوشمان داشت با مریض شدن پدرم شدت گرفت، پدرم مشکل قلبی پیدا کرد، من چنانچه گفته شد سال ها بود که به عنوان تک فرزند خانواده محسوب می شدم و تمامی کار ها را باید من انجام می دادم، این مشکلات و ضربه های روحی که می خوردم به شدت در عملکرد من تاثیر داشت، هر بار بعد از انجام همه کارها و طوفان مشکلات خودم نیز مریض می شدم از شدت ناراحتی و استرس و مشکلات فراوان، چون از طرفی می خواستم بهترین باشم در هر زمینه ای که یک مورد آن موفقیت های تحصیلی بود و این مشکلات در رسیدن به آن من را به دشواری می انداخت. با این شرایط دانشگاه و درس و ... و خانواده می گذرانیدیم که تصادف پدرم باز به ضربه شدیدی به من وارد کرد. با این همه من در دانشگاه و درس عادی و خوب پیش می رفتم.

کارورزی ها

از آبان ماه سال ۱۳۹۳ به کارورزی رفتیم، برایمان چهار ترم کارورزی پیش بینی شده بود که با تغییر چارت هر ترم دو واحد کارورزی داشتیم. هشت واحد و چهار ترم کارورزی گذرانیدیم و به اتمام رسیده است.

مدرسه محل کارورزی من در مدرسه هجرت واقع در شهرک ارم بود. سرفصل های واحد کارورزی نیز تغییر کردند ، ورودی اول بودنمان همیشه باعث شده بود تمام تغییرات و آزمایشات را ما شاهد باشیم. در هر هفته یک روز را برای کارورزی می رفتیم، سه شنبه ها روز کارورزی من بود. اولین ترمی که به کارورزی رفته بودیم به عنوان مشاهده تاملی بود و باید از تمامی جوانب به همه کار های مدرسه را مشاهده و گزارش تهیه می کردیم، از مسائل درون کلاس و تدریس معلم راهنما گرفته و رفتار وی، روش های مورد استفاده ایشان در تدریس، رفتار دانش آموزان و درس خواندن آن ها، مدیریت و معاونان و کار های آن ها، امکانات فیزیکی مدرسه، روابط بین اعضای مدرسه، همه و همه را مورد تحلیل و بررسی قرار دادیم. برای ترم بعد کلاس ها کم کم در اختیار کارورزان قرار می گرفت. در این بین مطلب مهم و قابل بیان این که تمامی معلمان از اجرا نشدن آنچه در کتاب ها آورده می شود و گفته های مسئولین و خواسته های خود همیشه گله مند بودند. اما با همه گفته ها به نظر من هر چقدر مطالعه و علم و آگاهی بالاتر می رود در تک تک کار ها و فعالیت ها تاثیر می گذارد. شاید برخی از آن ها خواستار امکانات باشد و یا دارای محدودیت در اجرا باشد ولی بیشتر آن ها را می توان به خوبی با تلاش بهتر اجرا کرد. اما مثل همیشه دغدغه ها و

مشکلات مدرسه و معلمان از این امر جلوگیری می کنند. معلم های که دیدیم بیشتر دلسرد مننده و نا امیدانه می نگرند و کمک بسزایی نتوانستند برای بهبود کارایی ما بکنند ولی در موقعیت عمل قرار گرفتن بسیار مفید واقع بود. کمتر معلمی بود که تشویق می کرد و تجربیاتی در اختیارمان می گذاشت که برایمان استفاده های زیادی داشت. البته تجربه های کسب شده در ایم دوره بسیار خوب و مفید بود. عملا با مدرسه و تدریس و دانش آموزان سروکار داشتیم و در موقعیت عملی می توانستیم تمام شنیده و دیده ها را لمس کنیم. ترم آخر کارورزی کل روز های سه شنبه کلاس ها در اختیار ما بود و معلم راهنما دیگر کاملا در کلاس حضور نداشت با اینکه ترم های قبل نیز کمتر در موقع حضور ما به کلاس می آمدند. تجربه های زیادی در این دوره های کارورزی کسب کردیم و بسیار خوب و مفید بود در کلاس داری، تعیین تکلیف برای دانش آموزان، شیوه های مختلف تدریس، درس های مختلف و روش های مختلف، آشنایی خوبی را برایمان محیا ساخت.

تحلیل از رخداد های واقع شده در فرآیند تحصیل

در این بخش به توصیف چند مورد از رویداد های اتفاق افتاده در طول دوره تحصیل در دانشگاه می پردازم. در این سال ها اتفاقات زیادی رخ دادند اما نمی توان همه آن ها را در اینجا آورد و طولانی شدن مطلب و به درازا کشیده شدن بحث مانع این است، پس به اختصار چند واقعه را بیان می کنم.

یکی از مهمترین این اتفاقات جریانست که در طول هفته پژوهش برای من اتفاق افتاد. من در طول سال ۹۴ مقالات زیادی نوشته و در کنفرانس های بین المللی شرکت داشته و سخنرانی و ارائه مقاله نیز داشته ام و در این زمینه فعالیت زیاد و گسترده ای شروع کردم و حتی به نوشتن کتاب و تالیف کتاب روی آورده و شروع کردم با اینکه از خیلی سال ها پیش انواع کتاب ها در ذهنم بود و همیشه دلم می خواست چنین کار هایی انجام بدم. زمینه هایی فراهم شد و توانسته بودم کمی در این راستا فعالیت کنم و موفقیت هایی کسب کنم. در هفته پژوهش همان سال تصمیم به انتخاب پژوهشگر برتر در بین دانشجویان گرفته شد اما چگونه ... ، من با وجود چندیدن مقاله که در بخش اعمال انجام شده به تفضیل بیان خواهم کرد؛ فقط یک تقدیر نامه فعال در عرصه پژوهش دریافت کردم و اما اتفاقی در این جریان افتاد این است که کلاس های ما تا روز دوشنبه بود و سه شنبه هم کارورزی داشتیم و دانشگاه نمی رفتیم، این ها در روز چهارشنبه اعلام کردن که مدارکتون تا پنج شنبه مهلت دارید تحویل دهید تا مورد ارزیابی و امتیاز بندی شود و این در صورتی است که من در روز شنبه هفته بعد متوجه چنین کاری شدم و سریعاً مدارکم را خواستم که ببرم تحویل دهم، چون واقعا کاری که آن ها کرده بودند درست نبود و اطلاع رسانی صورت نگرفته بود. اما نپذیرفتند و گفتند نمی شود. با مسئول و استاد های دیگر در جریان گذاشتم، گفتند نامه ای بنویس و روزمه و مدارک را به پیوست ببر به مسئول پژوهش استانی بده، همینکار را کردم، آن مسئول محترم قول داد که در جلسه ای که در همین راستای برگزاری هفته پژوهش تشکیل می شود این را ارائه و مشکل را حل می کند. من هم منتظر

شدم که حتما حل شده و در روز برگزاری مراسم بیان خواهد شد. اما مراسم برگزار شد و خبری نشد، خیلی ناراحت شدم، از تمامی حرف های گفته شده و کارهای انجام نگرفته، از کسانی که به خاطر تملق و توی چشم بودن تقدیر بشود و این همه زحمت و امتیاز من نادیده گرفته شود. در آن روز بصراحت از طرف یکی از مسئولان وقت شنیدم که گفتند اگر در یکی از مقالات اسم من را نیز می نوشتید الان شما بعنوان نفر برتر انتخاب می شدید. در شنیده ها حتی معلوم شد در یکی از همان همایش های بین المللی که من مقاله ام پذیرفته شده بوده به صورت سخنرانی، مقاله ارسالی آن فرد رد شده بود. بعد از آن، روز بعدی من مستقیما این موضوع را با رییس در جریان گذاشتم و ایشان ابراز بی اطلاعی کرد و همان مسئول را خواست و آمدن، تمام مدارک و مقالاتم پیشم بودند، در آنجا احساساتی هم شدم و ناراحتی ام از این موضوع را نشان داد. رییس خود متعجب بود و می دید که زحمت زیادی کشیدم. اما کار از کار گذشته بود و نمی شد کاری انجام داد، بعد از آن قرار شد تقدیر نامه هایم را طی مراسمی به من بدهند اما این ها دردی را دوا نمی کرد، و من بیشتر از این وضعیت نامطلوب اداری و مدیریتی رنج می برم. رویداد ها و خاطرات زیادی هستند که نمی توان به همه آن ها پرداخت. خاطره ای هم از کارورزی و مدرسه به صورت کوتاه بیان می کنم. در تقسیم بندی معلمان بیشترین امتیاز به سابقه خدمت داده می شود و امتیاز بندی صورت گرفته اشکالات عدیده ای دارد. بخاطر همین شاید نمی توان شایستگی لازم را در موقعیت مناسبش دید. برخورد معلمان با دانش آموزان و عدم آگاهی از بسیاری از مشکلات آن ها و همچنین عدم آگاهی و همکاری اولیا مشکلات زیادی را به همراه دارد. در یکی از کلاس های مدرسه دانش آموزی بود که باید مادرش نیز به همراه وی در مدرسه می بود تا او بتواند در کلاس بنشیند و یا مشکلات دیگر زیادی گریبان گیر مدرسه بود که کسی در پی حل آن ها نبود. در کلاس ما نیز معلم یکی از دانش آموزان را بخاطر شلوغی بیش از حد، از دیگر دانش آموزان جدا کرده و به تنهایی در گوشه ای از کلاس نشاند. این کار او به هیچ وجه نتوانسته بود در او تاثیر مثبتی بکند بلکه تاثیرات منفی زیادی هم داشت.

تصمیمات اتخاذ شده و اعمال به انجام رسیده

من تصمیم دارم با تمام قوا و با کمال وجود خود در همه زمینه ها تلاش مضاعفی انجام داده و بتوانم انسانی شایسته و معلمی الگو و نمونه از هر نظر بشوم. در این راستا باید هم از نظر تحصیلات به عالی ترین رتبه ها برسم که مستلزم ادامه تحصیل در رشته و دانشگاهی مناسب تا مدرک دکتری را گرفته در کنار آن باید به تقویت تمامی جهات بپردازم که بتوانم از عهده مسئولیت و رسالت معلمی بر آیم و انسانی شایسته شوم. برای این هدف از استفاده ی تجربیات اساتید و راهنمایی های آن ها، مطالعه و تحقیق و پژوهش های مختلف دریغ نخواهم کرد.

من برای بهبود و پیشرفت در علم و معلمی در این سال ها مطالعه و کتابخوانی ام بسیار افزایش داشته و همیشه در بروز کردن اطلاعات و افزایش آگاهی ام می کوشم. در این راستا به یادگیری زبان انگلیسی نیز پرداخته ام تا بتوانم اطلاعات دست اول و مقالات بروز را در سطح دنیا مطالعه کرده و در رشد خود مورد استفاده قرار دهم و همچنین

دانستن زبان های دیگر فایده های بسیار دیگری نیز دارد. به غیر از زبان انگلیسی به دنبال یادگیری هنر طراحی و نقاشی نیز بوده ام. در استفاده از علوم و فنون جدید و فناوری های جدید کوشش می کنم با اینکه نیاز به تخصص بالاتری دارد اما حداقل رایانه و اینترنت و منابع الکترونیکی را بخوبی استفاده کرده و از آن ها در بهبود یادگیری و آموزش سود می جویم.

این که بتوانم به این زمینه ها وارد شوم را کم و بیش آغاز کرده و مقالاتی در همایش ها و کنفرانس های بین المللی ارائه کرده ام. این ها می توانند زمینه خوبی برای ورود من به این عرصه باشند هرچند ناچیز و کم باشند.

در زیر مقالات و همایش هایی را که شرکت کرده ام می آورم:

۱. اولین کنفرانس بین المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی
عنوان مقاله: انواع بازی و بازی درمانی در روانشناسی ، که بصورت سخنرانی پذیرفته شد و در مرکز همایش های بین المللی صداوسیما در تهران به سخنرانی و ارائه آن پرداختم.
۲. اولین کنفرانس بین المللی روانشناسی و علوم تربیتی
عنوان مقاله: اهمیت برنامه ریزی درسی در مدارس ابتدایی ایران ، که در شیراز برگزار گردید.
۳. دومین کنفرانس بین المللی پژوهش در علوم رفتاری واجتماعی
عنوان مقاله: علوم تربیتی، آموزش ابتدایی، روش تدریس تلفیقی ، که در مرکز همایش های بین المللی تهران برگزار شد.
۴. دومین کنگره بین المللی تحقیقات آموزش و پرورش
عنوان مقاله: راهنمایی و مشاوره تحصیلی در دوره ابتدایی ، در دانشگاه شهید بهشتی تهران برگزار گردید.
۵. سومین کنفرانس بین المللی روانشناسی و علوم اجتماعی
عنوان مقاله: اختلال های نوجوانی ، تشخیص و درمان در روانشناسی رشد
عنوان مقاله: طبقه بندی هدف های آموزشی در روانشناسی تربیتی
دو عنوان مقاله در این همایش ارائه کردم که در تهران و سالن همایش های تلاش برگزار گردید.
۶. کنفرانس سراسری دانش و فناوری علوم تربیتی، مطالعات اجتماعی و روانشناسی ایران
عنوان مقاله: نقش و ویژگی های معلم در تعلیم و تربیت دینی دانش آموزان
عنوان مقاله: آموزش دینی برای دانش آموزان دوره ی ابتدایی
در این کنفرانس نیز دو عنوان مقاله ارائه شده داشتم.
۷. همایش دانشجویی گسترش و نهادینه سازی فرهنگ مطالعه و پژوهش
عنوان مقاله: روش ها و راهبرد های مطالعه، کتاب خوانی و یادگیری

در دانشگاه فرهنگیان، پردیس فاطمه الزهرا (س) تبریز برگزار شد.

همانطور که گفته شد در زمینه نویسندگی و تالیف کتاب نیز فعالیت می‌کنم و کتابی بزودی در دست چاپ دارم و زمینه و منابع و اطلاعاتی گردآوری کرده و ذهنیت و هدف‌گذاری برای تالیف کتب در سر دارم که در فرصت‌های مناسب جامعه عمل پوشانم.

دانش ارائه شده و دانش مورد قبول

با اینکه در دانشگاه واحد مختلفی ارائه می‌شود و همه آن‌ها شاید مورد استفاده در تخصص نباشد و به درد بخور به نظر نرسند، مخصوصاً اینکه برای ما بخاطر تغییرات چارت واحد‌های درسی ارائه شده برای رشته‌ی تحصیلی ما؛ برای فارغ التحصیل شدن که عموماً با ۱۴۰ یا ۱۴۴ واحد راحت مدرک کارشناسی را می‌توانستیم بگیریم با این تغییرات باعث شد من ۱۵۴ واحد درسی بگذرانم برای این دوره‌ی کارشناسی که البته این مشکل زیادی ایجاد نمود. تطبیق دزس‌ها و واحد‌ها و گذراندن واحد‌های تخصصی در یک ترم یا ساعات کلاسی که باید برگزار می‌شد و متمم روز و هفته را باید در دانشگاه حضور داشت. ترم‌های تابستان‌هایی که باید بگذرانیم و غیره و غیره؛ اما با تمام این وجود به نظر من هر چه کتاب و استاد و تجربه‌ای داشتیم حتماً برایمان می‌تواند فایده‌ها و درس‌های زیادی داشته باشد اگر با تامل و عمق بیشتری نگاه کنیم. پس هر چیزی که می‌آموزیم برایمان مفید و خوب است اگر چه در ظاهر به درد نخور بیاید اما استفاده خود را دارد و بر دانش و اطلاعاتمان می‌افزاید. فقط باید حتماً در زمینه تشویق و تقویت و شادابی برگزاری کلاس‌ها و ساعات آن‌ها و مدیریت و برنامه‌ریزی آن‌ها دقت زیادی به خرج داد، چون بیشتر در این زمینه به مشکل برمی‌خوریم.

تشریح معلمی کردن خود در آینده

چگونگی معلمی کردن

در بین ابداعات بشر دو تا از مابقی مشکل‌تر است: یکی هنر مملکت‌داری یا حکومت و دیگری هنر تعلیم و تربیت است. (کانت، ۱۳۶۳) با توجه به این سخن و واقعیت‌ها و سختی‌ها و دشواری و بزرگی مسئولیت معلمی در می‌یابیم که معلمی کردن کار آسانی نیست. باید در تمامی زمینه‌ها اطلاعات و علم کافی داشت و در عمل به آن‌ها تلاش فراوانی به خرج داد تا هم بتوتن در تدریس و آموزش موفق بود و هم نقش الگویی مناسبی بتوان ایفا کرد. چون معلم و مخصوصاً معلم ابتدایی برای دانش‌آموزان خود از هر نظر الگو می‌باشد و آن‌ها دوس دارند هر آنچه را که

هستند و دارند مانند معلم خود کنند و باور زیادی به معلم دارند. به همین خاطر باید حرف و عمل معلم یکی بوده و در تمامی زمینه ها آگاهی لازم را کسب کرده و در ارائه آن ها تلاش و سعی فراوانی به خرج دهد.

باور های یادگیری و آموزش

ای معلم با ایمان، آگاه و آزاد؛ شما را به خدا در این کلاس ها یک مشیت انسان نمای قالبی نسازید. انسان بسازید، نه یک نه یک مشیت انسان نمای قالبی ایزاری. شهید آیت ... بهشتی (نقش آزادی در تربیت کودکان)

باید با مطالعه و تخصص کافی در این زمینه اقدام کرد، برای کودکان و دانش آموزان باید با میزان رشد و توجه به تمام جوانب آموزش ها ارائه شود. شوق و علاقه و انگیزه یادگیری را در آن ها افزایش داد و مطالب را به گونه ای ارائه کرد که مورد قبول آن ها واقع شده و با اشتیاق آن ها را یاد بگیرند.

برای ارائه درس و آموزش و یادگیری روش های مختلفی وجود دارد، باید متناسب با محتوا و نیاز های دانش آموزان و در نظر گرفتن تمامی جوانب دیگر از آن ها استفاده کرد و روش تلفیق و بهبود آن ها را نیز بخوبی دانست. همانطور که بزرگی در این زمینه می فریاد به تعداد معلمان روش تدریس مختلف وجود دارد. این یعنی باید همه روش ها را دانست و در موقعیت های مختلف توانست با در نظر گرفتن موارد موجود و دانش آموزان و واقعیت ها با تغییراتی به طور مخصوصی به اجرا در آورد.

روش های تدریسی از قبیل : روش یادسپاری، روش سخنرانی، روش نمایش علمی (روش آموزش مهارت های عملی)، روش تلفیقی؛ روش پرسش و پاسخ، روش ایفای نقش، روش بحث گروهی، روش یادگیری مشارکتی، روش بدیعه پردازی؛ روش گردش علمی، روش آزمایشگاهی، روش اکتشافی، روش کاوشگری، روش واحد محور و ... این روش ها برخی روش های تدریس مبتنی بر انتقال مستقیم، بعضی روش های تدریس مبتنی بر تعامل و برخی دیگر روش های تدریس مسئله محور می باشند. (شعبانی، ۱۳۹۱)

اصول معلمی کردن

اصول آموزش و پرورش کشف کردنی است نه وضع کردنی. (شکوهی، ۱۳۸۵) اصول را باید بر اساس قوای یادگیری، ماهیت انسان، استعداد و نیازهای دانش آموزان، کشف کرد.

تربیت فقط به آهستگی پیشرفت می کند و تصور واقعی روش تربیت تنها وقتی حاصل می شود که هر نسل ذخایر تجربی و علمی خود را به نسل بعد منتقل کند و هر نسل، قبل از انتقال این میراث به نسل بعد، بنوبه ی خود چیزی بر آن بیفزاید. (شکوهی، ۱۳۸۵)

با در نظر گرفتن این سخن ها ، تجربیات ، تمامی مطالعات ، پژوهش ها و حساسیت دانش آموزان و این دوره تحصیلی ما باید بسیار با دقت عمل کنیم و اصول و مبنایی برگزینیم که با وجود انعطاف بالا برای شرایط مختلف دارای قواعد محکم و درستی باشد که قابل اجرا و اعمال شود و به بهبود عملکرد بیانجامد.

آرمان های معلمی

گر تقویت کنی ز ملک بگذرد بشر

ور تربیت کنی به ثریا رسد ثری

سعدی

بر اساس تمام گفته ها، مطالعات، تجربیات، تحصیلات و غیره و غیره خواسته ها و هدف های من در راستای معلمی و تربیت انسان و جامعه ای متعالی می باشد. من می خواهم تمام خواسته ها و خوانده ها و شنیده ها با همکاری تمامی اقشار مردم و کل جامعه و بزرگ مردان و فرهیخته گان و نوابغ واقعی در زمینه، حداقل در یک مجتمع بزرگ بصورت آرمان شهر یک مدینه فاضله از نظر تربیتی و آموزشی ایجاد کنم، در آن کودکان از بدو تولد تا پایان تحصیلات طبق اصول و قواعد درست بدون هیچ کم و کاستی، با برنامه های کامل و پر از امکانات و تجهیزات، هر بخش کاملاً تخصصی و جامع باشد. این ها به این معنی نیست که همه چیز ماشینی و خشک باشد و انعطافی نداشته باشد. بلکه می خواهم هر آنچه در کتاب ها و ذهن هاست و مورد تایید همگان بوده و هست ولی هیچوقت اجرای درستی از آن ندیده ایم را جامعه عمل بپوشانم. مجتمع آموزشی بزرگی که دارای تمامی امکانات بوده و تمامی افراد را شامل شود و برای اقشار مختلف جامعه خدمات داده و در تربیت بهترین افراد کوشش کند، تمامی دوره های تحصیلی را داشته باشد، دارای همه امکانات باشد برای هر یک از بخش ها و برای تمامی سنین مختلف برنامه ها و تجهیزات مخصوص داشته و هیچ گونه کمبودی در هیچ زمینه ای نداشته باشد و هر کاری به شخص متخصص در آن زمینه سپرده شود. این موارد شاید از عهده یک نفر بتنهایی ساخته نباشد و واقعا آرمان و آرزو باشد، اما این روز شدنی است، مدیریت، هدف گذاری و برنامه می خواهد. وقتی افکار رو به سوی پیشرفت و داشتن قدم بردارد در واقع حتماً به آن چه که می خواهد می رسد.

چالش های عمل معلمی در موقعیت های واقعی

تلاش برای اینکه معلم خود الگویی رفتاری برای فراگیران باشد.

تلاش فکری مستمر برای یافتن شیوه های موثرتر در آموزش دو مورد فوق به نظر من مهم ترین چالش های یک معلم در کلاس درس می باشد معلم نه تنها یک الگو برای جامعه است . بلکه بسیاری از رفتار ها و اعمال معلم می تواند روی دانش آموزان تاثیر بگذارد چرا که دانش آموزان معلم را به عنوان یک الگو یک سرمش برای خود می دانند و از بسیاری از رفتار های او الگو برداری می کنند حال اگر رفتار های یک معلم ، رفتار های درستی باشد و معلم یک معلم اخلاق مدار باشد می تواند دانش آموزانی با اخلاق تربیت کند که این دانش آموزان می توانند یک جامعه ی اخلاقی را تشکیل دهند.

چالش دوم مد نظر من این است که معلم بتواند برای هر درس از روش تدریس متناسب و مفید آن درس استفاده کند تا زمانی که معلم دارای روش تدریس مناسبی نداشته باشد نمی تواند هدف های آموزشی را به درستی به دانش آموزان یاد دهد.

از جمله چالش ها:

-نبودن برنامه درسی مناسب کلاس های چند پایه

- عدم یاری رسانی در زمینه روش ها و فنون تدریس و سازماندهی کلاس درس

- قرار گرفتن کلاس های چند پایه در مناطق نامناسب از نظر اقتصادی اجتماعی

- محرومیت از محیط مناسب خانه ، پایین بودن سطح تحصیلات خانواده ها ، مشکلات تغذیه و بهداشت ، پایین بودن تمایل به مشارکت اولیا و جامعه در مدرسه ، نبودن پیش دبستانی .

- نا مناسب بودن زمینه محیطی مناسب برای کسب تجربیات بیرون از مدرسه ی دانش آموزان.

- چند وجهی نبودن معلمان کلاس های چند پایه

- ناراضی بودن معلمان از کار در مدارس دور افتاده

- بهداشت و تندرستی پائین تر در مناطق دور افتاده

- نبودن سیستم راهنمایی و نظارت قوی

- نبودن مواد یادگیری

- نبودن کادر آموزش دیده

- نبودن تسهیلاتی چون : رایانه و اینترنت ، دستگاه فتوکپی، کتابخانه مدرسه ، مواد و منابع بیرون مدرسه مانند : کتابخانه ی شهر ، مرکز بهداشت ، نانوائی و ...

- نگرش منفی نسبت به تدریس در کلاس های چند پایه

- عدم مشارکت جامعه در فعالیت های مدرسه

چگونگی مواجهه با چالش های معلمی در موقعیت عمل

معمولاً در زمان گوش دادن به مطالب یک موضوع در درس کلاس درس ، مخاطبین ممکن است به این بیندیشند که تا چه حد معلم درس خود در عمل به مباحثی که مطرح می کند عمل می کند (مثلاً پرهیز از داشتن پیش فرضهای نادرست در روابط انسانی، مدیریت خشم، شخصی نکردن مسایل در هنگام تعارض، گوش دادن فعال، و سایر موارد مشابه). معلم درس هم ممکن است از این زاویه به موضوع نگاه کند که تا چه حد اگر خود وی کاملاً عامل به مطالبی که مطرح می کند نباشد، آن مطالب درسی اثر گذار خواهد بود. هر دوی این جنبه ها ممکن است بخشی از فضای ذهنی معلم و فراگیران در محیط یک کلاس یا کارگاه رفتار سازمانی باشد. یکی از چالش های اصلی یک معلم رفتار سازمانی از این منظر چالش «الگوی رفتاری بودن» است. حقیقتاً چون عملی کردن همه تعالیم رفتار سازمانی در مدتی کوتاه از زندگی ممکن است شدنی نباشد، و از طرفی اگر یک معلم رفتار سازمانی خود را ملزم به این امر بداند، چالش ذهنی بزرگی برای وی ایجاد می کند. به نظرم یک راه پیشنهادی این است که باید با مخاطبان صادق بود و بیان کرد که معلم درس هم خود دانشجویی است که در حال تلاش برای بهبود و ارتقای سطح اثربخشی رفتارهای خود است. از طرف دیگر معلم باید متعهد باشد تا واقعاً اگر در عالم نظر به درستی موضوعی رسیده است، آن را متعهدانه در عمل به کار بندد، و برنامه ای برای خود داشته باشد که همواره دلسوزانه و متعهدانه بر قابلیت های رفتاری خود بیفزاید.

برای حل چالش دوم می توان گفت معلم رفتار سازمانی گر چه می داند که ایجاد و یا تقویت برخی جنبه های رفتاری در فراگیران نیاز به زمان و تمرین مستمر در بعد از کلاس های آموزشی و حتی در طی زندگی دارد و تنها نمی توان با یک کلاس و یا کارگاه آموزشی موجب تغییر عمیق و بلند مدت رفتار شد، اما به اهمیت کلاس خود و تاثیر گذاری آن نیز باور دارد. معلم رفتار سازمانی می داند که ممکن است آموزه های این حوزه در برخی اثرات عمیق گذاشته و یا حتی از بعد نگرشی تاثیر مهمی بر عملکردهای بعدی مخاطبان بگذارد. از اینرو همواره در تلاش است تا دریابد مطلب مورد نظر را با چه روشی آموزش دهد که تاثیرات انگیزشی، نگرشی و رفتاری مناسبی به جا بگذارد. وجود مطالب زیاد در محتوای مورد انتظار از یک کلاس و یا کارگاه آموزشی از یک طرف (که البته می تواند برخی اوقات رویکردی

نامناسب باشد) و لزوم استفاده از روش‌های آموزشی مختلف علاوه بر تدریس به صورت سخنرانی (مانند بازی نقش، کار تیمی، بررسی مطالعات موردی و سایر موارد) چالشی را ایجاد می‌کند. این شرایط معلم را به تفکر و تجربه مستمر درباره شناسایی بهترین روش‌ها (یا شاید بهینه‌ترین روش‌ها متناسب با محدودیت‌های زمانی و مکانی) برای هر موضوع درسی وامی‌دارد. از اینرو از یک معلم رفتار سازمانی که به تازگی این حرفه را انتخاب کرده است تلاش حرفه‌ای زیاد و مستمری انتظار می‌رود.

تعهدات حرفه ای دانشجو معلم

تعهد می دهم که...

در هنگام رسیدگی به رفتارهای نابجا و یا در هنگام تغییر رفتار دانش آموزان به زمینه اساسی و احتیاجات او توجه نمایم.

خود را کامل ندانم و دائماً در صدد ایراد گرفتن از دیگران نباشم که روش فوق زمینه را جهت بروز رفتارهای نامناسب فراهم می سازد .

دانش آموزان را به عنوان یک انسان قبول داشته باشم و او را درک کنم از ارزشیابی شخصیتی او خصوصاً جنبه های منفی شخصیت در حضور جمع اجتناب ورزد .

خود را با گسترش علوم و فنون زمان هماهنگ سازم.

با همکاران و عوامل مدرسه تعامل خوبی داشته باشم.

از هیچ تلاشی در عرصه ی تعلیم و تربیت فروگذاری نکنم.

به عنوان یک الگو برای دانش آموزان از انجام کار های ناشایست دوری کنم.

به عنوان یک معلم به هر آنچه که می گویم عمل کنم.

با طرح و برنامه ی قبلی در کلاس درس حاضر شوم.

همچون یک باغبان تمام وجود واندیشه ام را در خصوص شکوفایی دانش آموزان که گردانندگان جامعه فردا می باشند بکار گیرم.

منابع

اشعار سعدی

شکوهی، غلامحسین (۱۳۸۵)؛ مبانی و اصول آموزش و پرورش، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، به نشر

شعبانی، حسن (۱۳۹۱)؛ مهارت های آموزشی و پرورشی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)

شهید بهشتی و آموزش و پرورش (۱۳۸۶)؛ سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، همایش شهید بهشتی و آموزش و پرورش، تهران، انتشارات مدرسه

کانت، امانوئل؛ تعلیم و تربیت، ترجمه دکتر غلامحسین شکوهی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۳

پیوست ها

تصویری از دوران تحصیل دانشگاه



تصاویر شرکت در همایش ها و کنفرانس ها





تصویری از کارورزی

